

دوره می‌کنیم هنوز را...

تفاوت عشق برای زنان...

این را فهمیده‌ام که فرق است میان عاشق شدن زنان با مردان، و دلیل آن هم نوع نگاه آنان است به زندگی و طرف مقابل‌شان. شاید به جرأت بتوان گفت که عشق در لحظه و یک نگاه برای زنان معنایی ندارد و معمولاً پخته‌تر از آن هستند که همانند آقایان مدعی شوند به یکباره عاشق شده‌اند. دلیلی هم که برای این موضوع به ذهن من می‌رسد آن است که دنیای مردانه به زنان آموخته است با تأمل و دقت بیشتری عمل کنند (اگر چه گاهی هم نکنند!).

تفاوت دیگر برای عاشق شدن زن‌ها در عمق عشق است که وقتی دل می‌بندند و مردی در وجودشان ریشه می‌دواند، دیگر به سختی می‌توان آن ریشه را در وجودشان خشکاند. آنها نه به مرور زمان و نه با تندباد حوادث و روزگار، حس و حال خود را از دست نمی‌دهند. شاید در مورد مردان هم پشتوانه تاریخی و امتیازات بی‌دلیلی که داشته‌اند موجب شده تا تب‌های عاشقانه‌شان خیلی زودتر از تصور به سردی و ضعف منجر گردد.

در این میان اما یک چیز استثنا است و می‌تواند ریشه عشق را در وجود زنان بخشکاند، موردی بسیار اثرگذارتر از شرایط روزگار و سختی‌ها که به باور و ایمان زن لطمه می‌زند: حس ناشی از «خیانت»! خیانتی که از دیدگاه زن یک توهین محکم به او، شعور او و حتی به تمام زیبایی و اصالت اوست. اتفاقی که همچون تیشه به ریشه عشق می‌کوبد و همه وجود زن را پُر می‌کند از نفرت و بدتر از همه، حس حماقت را در او بیدار می‌سازد. او تصور می‌کند که باورهایش درهم ریخته و همراه زندگی‌اش از اعتماد او سؤاستفاده‌ای بزرگ کرده است (حتی اگر مرد او به این چیزها فکر نکرده باشد). این حس، حس بدی است که دنیای زنانه را درهم می‌ریزد، انگار تصور یک نفر دیگر که جای او را گرفته، یعنی از بین رفتن تمام سال‌های گذشته و عمری که به قول برخی به پای این زندگی گذاشته است. احساس نادیده گرفته شدن، حس خوب نبودن و حتی هزار فکر و احساس خود ساخته که تمام زنانگی‌اش را زیر سؤال برده است. زنی که بعد از تمامی این احساسات همچنان به مسیر خود ادامه دهد، دیگر آن زن سابق نیست، حتی اگر به اجبار به ادامه زندگی مشترک یا ارتباط خود مکلف شده باشد.

کتاب حاضر قصه‌ای دارد که خواننده را در موقعیت قهرمانش قرار می‌دهد و با روایت تجربه‌ای که شخصیت‌های داستان طرح می‌کنند، نهیبی می‌زند به مخاطب خود تا در شرایط خاص، بهترین عکس‌العمل‌ها را با فکر کردن داشته باشد. گاهی لازم است صرفاً برمبنای احساس و ناراحتی‌های لحظه‌ای عمل نکنیم و با کمی تأمل و صبر جایگاه خود را در زندگی که گاه بی‌رحم می‌شود تثبیت نمائیم.

کتاب «دوره می‌کنیم هنوز را» یک نگاه است که خواننده متفکر شادان را به اندیشه بیشتر ترغیب می‌کند و به نظرم آن عوامل و ظرفیت‌های لازم برای جذب کامل مخاطب را داراست. همراه نویسنده شوید تا پایان قصه و آن نگاهی که به مشکلات داشته است.

بهمن رحیمی

دی ماه ۱۳۹۶ - تهران